

تحركات دیپلماتیک و دور چهارم گفت‌وگوها

پس از سه دور گفت‌وگوهای ایران با نمایندگان 5+1 در استانبول، بغداد و مسکو و در حالی که تابستان با گفت‌وگوهای کارشناسی طرفین در استانبول سپری شد...



پس از سه دور گفت‌وگوهای ایران با نمایندگان 5+1 در استانبول، بغداد و مسکو و در حالی که تابستان با گفت‌وگوهای کارشناسی طرفین در استانبول سپری شد، در روزهای اخیر بار دیگر از شروع دور چهارم گفت‌وگوهای ایران و 5+1 سخن به میان آمده است، هر چند تاریخ و محل آن هنوز مشخص نیست با وجود این شواهد و قرائن حکایت از آن دارد که 5+1 خود را برای دور جدید گفت‌وگوها با ایران آماده می‌کند.

پس از مذاکرات اشتون و جلیلی در استانبول وزیران خارجه 5+1 در ششم مهرماه در حاشیه شصت‌وهفتمین نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک موضوع هسته‌ای ایران را مورد بحث قرار دادند و به دنبال آن کاترین اشتون به نمایندگی از 5+1 خواستار برداشتن گام فوری اعتمادساز از سوی تهران شد. علاوه بر آن به نقل از سایت ایران هسته‌ای ظاهراً قرار است کارشناسان 5+1 در لندن گردهم آیند تا پس از آن تاریخ جدید گفت‌وگو با ایران مشخص شود.

اگر این گزاره‌ها را در کنار مواضع مقامات آمریکایی از جمله هیلاری کلینتون مبنی بر اینکه اگر تهران گام اعتمادساز بردارد تحریم‌ها برداشته می‌شوند و سپس تکذیب آن قرار دهیم و مطلب روزنامه نیویورک‌تایمز مبنی بر پیشنهاد 9 بندی ایران را نیز به این گزاره‌ها اضافه کنیم در آن صورت به نظر می‌رسد مقامات و رسانه‌های آمریکا و اروپا می‌کوشند با داغ کردن فضای حاکم بر موضوع هسته‌ای ایران و به تعبیر بهتر ریختن آتش تهیه، ابتکار عمل را در دور جدید گفت‌وگوها در دست گیرند.

در این میان مانور رژیم صهیونیستی روی تاریخ 24 مهرماه به عنوان تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا برای تشدید تحریم‌ها ضد ایران نیز از تأیید این فرضیه حکایت دارد که آمریکا و تروئیکای اروپا همچنان رویکرد فشار و مذاکره را در دستور کار دارند. در این میان طرح مسائلی مبنی بر اینکه ایران باید غنی‌سازی 20 درصدی را متوقف کرده و فوردو را تعطیل کند همگی در چارچوب سناریویی می‌گنجد که هدف از آن القای این محور است که با وجود اثرگذاری تحریم‌ها، ایران حاضر نیست کوتاه بیاید و همچنان مانع برون‌رفت مذاکرات است. اما پشت صحنه این سناریو چیست؟

واقعیت آن است که ایران پس از بی‌اعتنایی آمریکا و تروئیکای اروپا نسبت به بیانیه تهران بین ایران، ترکیه و برزیل و صرفاً برای تأمین سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران برای تولید رادیوداروها به غنی‌سازی 20 درصد دست زد. از طرفی ایران بارها اعلام کرده است که به دنبال دانش و فناوری هسته‌ای غیرصلح آمیز نیست که مهم‌ترین آن به سخنان رهبر انقلاب در شانزدهمین نشست سران عدم تعهد بازمی‌گردد که در حضور رؤسا و نمایندگان 120 کشور عضو غیرمتعهد و دبیرکل سازمان ملل متحد، ایران به صراحت اعلام داشت بنا به اصول و مبانی دینی و دکترین سیاست خارجی و دفاعی خود اعتقادی به سلاح هسته‌ای ندارد و به دنبال تولید آن نیست بلکه ایران با تمام توان به دنبال تحقق این مهم است: «انرژی هسته‌ای برای همه و سلاح هسته‌ای برای هیچ‌کس».

حال با این واقعیات این سؤال برای افکار عمومی جهان مطرح است که چرا برای ایران که به استناد گزارش‌های مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فعالیت هسته‌ای‌اش دچار انحراف نشده است و با آژانس همکاری شفاف دارد از تحریم به عنوان ابزار فشار استفاده می‌شود اما برای رژیم صهیونیستی که به NPT نپیوسته و فعالیت هسته‌ای نامشروع دارد، محدودیتی اعمال نمی‌شود؟

به نظر می‌رسد چنین برخورد دوگانه‌ای که تحركات دیپلماتیک اخیر نیز سندی بر استمرار آن است صرفاً بر پیچیدگی وضع موجود می‌افزاید و به جای به حرکت درآوردن قطار هسته‌ای از ایستگاه مسکو و هدایت آن در مسیر صاف سعی می‌کند این قطار را وارد مسیری پرپیچ‌وخم سازد که همین موضوع بر تردیدها در مورد میزان موفقیت دور جدید گفت‌وگوها می‌افزاید، اما به رغم همه این نکات در این واقعیت نیز نمی‌توان تردید داشت که حتی آمریکا و تروئیکای اروپا به این نتیجه رسیده‌اند که تهدید جواب نمی‌دهد، پس قطار دیپلماسی هسته‌ای نباید متوقف شود؛ هر چند می‌کوشند آن را به ایستگاهی که خود می‌خواهند هدایت کنند.